بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

( فصل فی المطهرات : آب - کیفیت تطهیر کفش و حصیر و فلزات مذاب نجس چگونه است ؟ )

در مساله ۳۰ کیفیت تطهیر کفش نجس و حصیر نجس است قبلا در مساله ۲۳ کیفیت تطهیر گِل نجس که ته کفش بود بیان شد اما اینجا کیفیت تطهیر خود کفش و لباس آن اشاره میشود

یکی از اجزای کفش همان جلد آن است حال از چرم یا غیر آن ؛ فقها مینویسند چرم کفش را فرو میکنیم در آب کثیر و فشار نیاز ندارد چون چرم قابلیت فشردن ندارد و با اب قلیل به مقداری آب بریزید که نجاست از بین برود و آب بر این کفش غالب شود به حدی که آب در درون چرم نفوذ کند و اگر هم نفوذ نکرد ظاهرش پاک هست

دومین اجزای کفش : نخهایی است که کفش را میدوزند گاهی این نخها نرم است و مقداری اب را جذب میکند فشار دهید تا غساله اش جداشود و گاهی سفت است و آب را جذب نمی کند و نیازی به فشار ندارد و پاک شدن این نخها تابع پاک شدن چرم است ولی اقای خویی میگوید چه نخ سفت یا نرم باشد فشردن نیاز نیست چون نخ بیش از اندازه چرم آب جذب نمی کند همانطوری که چرم قابلیت فشردن ندارد نخ هم همینطور است

اشکال استاد : حرف ایشان درست نیست باید عرف قضاوت کند این کفش بیش از چرم آب جذب میکند یا نه و منظور ما از عرف ؛ عرف خاص است مثل کفشدوزها

سومین : حزام است یعنی تسمه یا همان نواری که به کمر یا هرچیزی که می فشارند یا بند صحافی ؛ اگر نجس شود تابع خود کفش است چون از یک جنس است

اما کیفیت شستن حصیر : مشهور فقها میگویند تطهیر ان به فرو کردن در اب کثیر است و با اب قلیل پاک نمی شود و نیازمند به فشردن هم نیست چون حصیر یا خرمایی است یا علفهای صحرا است و اب درون آن نفوذ میکند وقتی نجس شد حصیر را در اب کر بگذارید بماند تا اب کاملا درون آن نفوذ کند و عین نجس را از بین ببرد

نظر استاد : با اب قلیل هم میشود تطهیر کرد رد صورتی که اب قلیل غلبه کند و غساله خارج شود اما قول مشهور مطابق با احتیاط است

مساله ۳۱ : تطهیر فلزات ذوب شده است ؛ دو تا بحث هست :

بحث اول : موضوعی است که آیا فلزات مذاب قابل تطهیر هستند یا نه. و بحث دوم حکمی است که تطهیر آنها چگونه است ؟

اما بحث اول : مرحوم سید مینویسد که طلا و مانند آن و سایر فلزات زمانی که اب شود و این ذوب شده را در اب نجس بریزند یا اینکه خود طلا و فلز متنجس شود و آن را آب کردند هم ظاهرش و هم باطنش نجس میشود و قابل تطهیر نیست مگر اینکه ظاهرش را پاک کند پس از دیدگاه ایشان فلزات مذاب قابل تطهیر است اما باطن آن قابل تطهیر نیست و هم از نظر حکمی و موضوعی اشاره فرمودند

مشهور فقها من جمله مرحوم امام ره آقای گلپایگانی ره و حتی اقای مکارم مخالفت کردند و مخالفت بر سر موضوع است یعنی فلز ذوب شده قابلیت برای تنجیس ندارد پس مشکل موضوعی دارند مثلا دیگ ده تنی پر از مذاب است حال قطره خونی افتاد نمیشود گفت اینها نجس شده چون قاعده نجس شدن سرایت است فلزات مذاب مثل اب نیست و مثل مایعات نوشیدنی نیست که اگر یک قطره خونی در کمتر از کر بریزد سرایت میکند بلکه مذاب وقتی ذوب میشود پهن میشود و مجاری سرایت ندارد لذا همان نقطه ای که خون ریخته شده همان جا ظاهرش نجس است و اگر شک کنیم که باطن نجس شده اینجا شبهه مصداقیه است و در شبهه مصداقیه احراز لازم است که ایا خون داخل این آهن رفته یا نه مادامی که احراز نشده باطن پاک و ظاهرش را اب کشید پاک میشود

ان قلت :اگر کسی بگوید وقتی ظاهر پاک شد باطن هم به تبع پاک میشود

قلت :قاعده تبعیت مال مرکن و ظرف رختشویی است یا در نزع بئر است و خاص هست

بحث دوم : اگر ظاهر فلز نجس شود بعد از اینکه ظاهرش را تطهیر کردیم دوباره نجس شده و تطهیر می کنیم ولی اگر آن فلز بعد از تطهیر ظاهرش ذوب شود آیا ظاهر فلز مجددا نجس میشود یا نه ؟

مرحوم سید میفرماید مجددا نجس میشود چون مخلوط با اجزایش میشود و ظاهر و باطن با هم مخلوط شده اند سابقا نجس بود و الان اصابت کرد به ظاهر و ظاهر نجس شده الا اینکه بدانی به همه اجزای ظاهری نرسیده یا بدانی که اجزای ظاهری همان اجزای ظاهری قبلی بود که در این صورت پاک است

اشکال استاد : اولا اجزا به عقیده شما دو دسته اند یک دسته اجزای مذاب پاک است و اجرای دیگر نجس است چگونه اینها را جداسازی کنیم حکم به نجاست اجزای ذوب شده پاک و حکم به نجاست اجزای مختلطه از نظر ما قابل تمییز نیست نمیدانیم که آن اجزای مذاب مطهره نحس شدن یا آن اجرای مذاب نجسه کدام است و معلوم نیست لذا کل این اجزا از اطراف شبهه محصوره میشود علم اجمالی دارم بخشی از این اجزا نجس و بخشی پاک است و نمیدانم کدام است اینجا مقتضای علم اجمالی وجوب اجتناب از تمامی این اجزا است لذا چطوری حکم میکنید که ظاهرش پاک است و چطور احتمال میدهید نجاست به جمیع اجزا نرسیده با اینکه این اجزای مضاف شبهه محصوره است و نمیدانم کدام نحس و کدام پاک است

ثانیا : ملاقی نجس ؛ نجس است آنهم با شرطی که سرایت کند و ما در بالا گفتیم سرایت نجس از نقطه مذاب به سایر نقاط قابل درک نیست در اینجا باید احتیاط کرد و از این فلز اجتناب کرد چون علم اجمالی داریم به نجاست یکی از اجزای این مذاب و نمیداینم کدام یکی از اینهاست

اللهم الا أن یقال که این علم اجمالی منحل است به اینکه بعضی از اجزا از محل ابتلای ما خارج است مثل اجزای باطنی که از محل ابتلای ما خارج است اینجا نسبت به حکم ظاهر طهارت است و شک بدوی میشود و برائت جاری و اصالة الطهاره جاری میشود